

منافع و اهداف کشورهای دارای منابع نفتی و شرکت‌های بین‌المللی نفتی در انعقاد قراردادهای نفت و گاز

مصطفی سلیمی فر*

استاد گروه اقتصاد دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

تقی ابراهیمی سالاری

استادیار گروه اقتصاد دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

سید محمد موسی مطلبی

دانشجوی دکتری گروه اقتصاد دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۸/۲۷)

چکیده

مقاله پیش رو، به منظور شناسایی اهداف و منافع کشورهای نفتی، به ویژه ایران، در انعقاد قراردادهای حوزه‌های اکتشاف، توسعه، استخراج و تولید نفت و گاز با شرکت‌های بین‌المللی در مقابل اهداف و منافع آن‌ها، سامان یافته است. این پژوهش، از دو روش اسنادی و کتابخانه‌ای و نیز پیمایشی با مصاحبه ساختارمند با نخبگان انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد اهداف و منافع دو طرف قرارداد بسیار گوناگون است. این اهداف و منافع برای کشور میزبان، حوزه درآمدها و هزینه‌ها، فناوری، اقتصاد داخلی، بهره‌برداری فنی، اقتصادی و صیانتی از مخازن و نیز کسب اطلاعات را دربر می‌گیرد. در مقابل، اهداف و منافع شرکت‌ها، حوزه درآمدها و هزینه‌ها، فناوری، اقتصاد کشور مادر، حفظ انحصارات و نیز اطلاعات را شامل می‌شود. بنابراین، لازم است راهبردهای مناسب برای رسیدن به اهداف و منافع در تنظیم و تدوین قراردادهای نفتی نیز در طول مذاکرات مورد توجه قرار گیرد که نوشتار حاضر در این باره پیشنهادهایی را ارائه داده است.

واژگان کلیدی

اهداف قراردادی، تعارض منافع، قرارداد نفتی، منافع قراردادی.

مقدمه

ایران با داشتن منابع فراوان هیدروکربوری، رتبه چهارم نفت و رتبه اول گاز دنیا را به خود اختصاص داده است و در نتیجه، برای اکتشاف، استخراج و تولید آن نیازمند انعقاد قرارداد با شرکت‌های نفتی است. پیشینه بلند بیش از یکصد سال تولید نفت در ایران و تجربه انعقاد قراردادهای مختلف، اهداف گوناگونی را در قوانین نفت و برنامه‌های توسعه و نیز متن قراردادها به تصویر کشیده است. با توجه به گستردگی منافع دو طرف قرارداد، شناخت و تبیین ماهیت آن (شامل منافع و اهداف صریح و ضمنی) ضروری می‌نماید؛ زیرا شناخت درست آن می‌تواند هم به تحلیل و بررسی بهتر قراردادها از این منظر کمک کند و هم کارشناسان را در مذاکره برای انعقاد قرارداد یاری دهد تا با شناختی کامل‌تر از زوایای پیدا و پنهان آن، بندها و شرایط مناسب‌تری را در راستای منافع ملی در متن قراردادها بگنجانند. بنابراین، مقاله پیش رو در پی شناسایی اهداف و منافع کشورها و شرکت‌های نفتی است. برای رسیدن به این هدف، دو روش به کار گرفته شده است تا در فرایند آن بتوان تمامی ابعاد منافع موجود را شناسایی کرد.

۱. روش پژوهش

در این مقاله از دو روش پژوهشی مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و نیز مصاحبه استفاده شده است. روش مصاحبه، روشی کیفی است و راهبرد پژوهش یا طرح نمونه‌گیری در آن براساس هدف مطالعه، نمونه‌گیری غیراحتمالی است. اصل اساسی در این روش، راهبرد نمونه‌گیری (طرح نمونه‌گیری)^۱ و نه تعداد نمونه است. نمونه‌گیری مبتنی بر هدف^۲ است که در آن، نمونه به صورت غیرتصادفی است. نمونه‌گیری در این مقاله برای کسب درک عمیق از منافع دو طرف قرارداد و راهی برای رسیدن به محتوای ذهنی افراد مصاحبه‌شونده که از میان متخصصان، کارشناسان و مدیران در حوزه قراردادها گزینش شده‌اند (ابوالعالی، ۱۳۹۱: ۴۰۲-۴۱۳). مصاحبه در این پژوهش، حضوری، تلفنی، گاهی اینترنتی و ساختارمند^۳ بوده و گزینش حجم مناسب نمونه، تا رسیدن به مورد زائد (موردی که پس از آن اطلاعات جدیدی به دست نمی‌آید) ادامه یافته و به اشباع نظری دست یافته است.

۲. منافع کلی کشورهای دارای منابع هیدروکربوری و شرکت‌های نفتی

هنگامی که کشورهای دارای منابع نفت و گاز و شرکت‌های نفتی، ارتباطات قراردادی را با

1. sample design
2. Judgmental or Purposive sampling
3. Structured

یکدیگر برقرار می‌کنند، اهدافی را دنبال می‌کنند. این اهداف به طور عموم در همه انواع ارتباطات قراردادی وجود دارد. به صورت کلی و کوتاه، آنچه از اهداف و منافع کشورهای میزبان می‌توان به آن اشاره کرد، عبارت است از:

۱. ارتقای فعالیت‌های مربوط به نفت در تمام سطوح؛
 ۲. کشف حوضچه‌های نفتی کشور؛
 ۳. توسعه و بهره‌برداری از منابع کشف‌شده؛
 ۴. احیای حوزه‌های قدیمی با قرار دادن آن‌ها در مسیر اکتشافات تولیدی که تا کنون به دلایل فنی یا اقتصادی توسعه نیافته است؛
 ۵. پیشینه کردن درآمد دولت، در عین حال، تا حد امکان، اطمینان دادن به بازگشت سرمایه‌گذاران متناسب با ریسک ناشی از اکتشاف؛
 ۶. ایجاد رژیم مالی و قراردادی مناسب، منصفانه و پایدار که توان سازگاری با شرایط در حال تکامل را داشته باشد و در نتیجه، سطحی از فعالیت رضایت‌بخش را نگه دارد؛
 ۷. رسیدگی و عملیات نظارتی در مذاکره و رایزنی با شرکت‌ها، در عین حال، اطمینان دادن به اینکه این فعالیت‌ها با خط قرمزها تضعیف نمی‌شوند؛
 ۸. به دست آوردن تخصص از طریق انتقال فناوری و مهارت (Rouzaut & Favnnec, 2011: 177).
- از طرفی، در این مطالعات، اهداف عمومی شرکت‌های نفتی نیز به طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱. رسیدن به سطحی از سازگاری بازگشتی به اهداف کلی شرکت؛
۲. بازیابی سریع هزینه‌های سرمایه‌گذاری تا حد امکان؛
۳. دسترسی به ذخایر نفت و گاز؛
۴. اطمینان از اینکه ذخایر جدید جایگزین ذخایر گذشته شوند؛
۵. کنترل و محدود کردن ریسک با تنوع بخشیدن به ترکیب سرمایه‌گذاری‌های خود در گستره اکتشاف و تولید (Rouzaut & Favnnec, 2011: 177).

۳. اهداف و منافع کشور میزبان در قرارداد نفتی

ایران به عنوان کشور تولیدکننده و صادرکننده نفت، برای رسیدن به اهداف مورد نظر خود در افزایش تولید و صادرات نفت و به منظور تبدیل منابع پایان‌پذیر به دارایی‌های تجدیدپذیر نیازمند سرمایه‌گذاری در حوزه‌های اکتشاف، استخراج و تولید نفت است (محمدی و دیگران، ۱۳۹۵:

۴۸). البته منافع این سرمایه‌گذاری که به شکل ارتباط قراردادی است، بستگی به نوع قرارداد، شیوه پرداخت و نیز پوشش ریسک‌ها، به ویژه ریسک‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دارد. بنابراین، کشور ایران به طور کلی و شرکت ملی نفت به عنوان نماینده حاکمیتی، در پی دستاوردها و منفعی است که می‌تواند در چهارچوب قرارداد با شرکت‌های نفتی به دست آورد. این منافع و اهداف را می‌توان در مواردی دسته‌بندی کرد که عبارت‌اند از: منافع و اهداف در حوزه درآمدها و هزینه‌ها، منافع و اهداف در حوزه فناوری، منافع و اهداف در حوزه اقتصاد داخلی، منافع و اهداف در حوزه بهره‌برداری فنی، اقتصادی و صیانتی از مخازن، و منافع و اهداف در حوزه کسب اطلاعات.

۳.۱. منافع و اهداف در حوزه درآمدها و هزینه‌ها

مهم‌ترین هدف کشور میزبان از قرارداد، افزایش درآمد از منابع نفتی خود است. در این زمینه باید توجه داشت که افزایش درآمدها از منابع نفتی در هر مورد باید در کنار هزینه‌ها در نظر گرفته شود. با توجه به نتایج بررسی‌های کتابخانه‌ای^۱ و مصاحبه با کارشناسان، سه مسئله در بحث درآمدها و هزینه‌ها مطرح است (Johnston, 2015, Daniel et al, 2010, Boykett, et al, 2012). این مسئله جزء نخستین اهداف بوده و در قراردادهای مختلف، به ویژه قراردادهای بیع متقابل و قراردادهای نوین نفتی ایران (IPC) نیز آمده است که عبارت‌اند از:

۱. حداکثر کردن درآمد؛
۲. حداقل کردن هزینه‌های مربوط به اکتشاف و استخراج و تولید؛
۳. رعایت سقف هزینه توسط شرکت نفتی در برخی کشورها (مانند قرارداد بیع متقابل ایران) (Bunter, 2008, Yang, 2015, Ghandi, Lin, 2014).

۳.۲. منافع و اهداف در حوزه فناوری

یکی از مهم‌ترین اهداف کشور میزبان از انعقاد قرارداد در بخش بالاسری صنعت نفت، مسئله فناوری است. در این باره باید گفت که فناوری گستره زیادی در قراردادهای نفتی دارد که بر اساس روش پژوهش در این مقاله، چندین زیرهدف را می‌توان برای آن برشمرد که انتظار می‌رود شرکت نفتی آن را انجام دهد. برخی از این موارد در قراردادهای بیع متقابل و قراردادهای نوین نفتی ایران نیز آورده شده است که عبارت‌اند از:

۱. به‌کارگیری بهترین فناوری سخت و تجهیزات؛
۲. به‌کارگیری بهترین فناوری نرم و مدیریت کلان از اکتشاف تا تولید؛

۱. از جمله منابع: Ghandi, Lin, 2014؛ 2011 Rouzaut & Favneec و برخی دیگر از منابع

۳. به‌کارگیری بهترین فناوری مدیریت مگاپروژه‌ها؛
 ۴. انتقال بهترین و جدیدترین فناوری سخت و تجهیزات مناسب؛
 ۵. انتقال بهترین و جدیدترین فناوری نرم و مدیریت کلان از اکتشاف تا تولید؛
 ۶. انتقال بهترین و جدیدترین فناوری مدیریتی مگاپروژه‌ها؛
 ۷. انجام الزامات انتقال فناوری سخت به معنای تربیت نیروی انسانی بومی (بومی‌سازی مهارت‌های نحوه به‌کارگیری و مدیریت فناوری منتقل شده با توجه به شرایط کشور).
- جذب فناوری فرایند کلی هدایت، پیوست، گسترش و ارتقای سطح فناوری موجود و همچنین تحصیل فناوری‌های نو، با توجه به برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی انتقال‌گیرنده است (ابراهیمی و خوش‌چهره، ۱۳۹۴: ۷۴).
- یکی از انگیزه‌های اصلی کشورها از انعقاد قراردادهای بالادستی با شرکت‌های نفتی، بهره‌گیری از توانمندی‌های فناورانه این شرکت‌هاست و در نتیجه، میزان بهره‌مندی شرکت‌ها از فناوری، دارایی ارزشمند و امتیازی تعیین‌کننده برای ارجاع کار به آن‌ها شمرده می‌شود (ابراهیمی و شیرجیان، ۱۳۹۳: ۲۵؛ ابراهیمی و خوش‌چهره، ۱۳۹۴: ۹۱).
- البته در این زمینه باید گفت به طور کلی، سازوکار توسعه فناوری در صنعت نفت در کشورهای در حال توسعه، نیازمند ظرفیت‌سازی‌های علمی و مهارت‌های فنی برای جذب ایده‌ها و درک کامل پیچیدگی‌های موجود در فناوری‌های جدید وارداتی و نحوه استفاده از ابزار و تجهیزات پیشرفته مرتبط با این فناوری‌هاست (درخشان و تکلیف، ۱۳۹۴: ۷۸ - ۷۹). در این باره، شناخت بازیگران بازار فناوری برای انتقال و توسعه فناوری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
- بخشی از انتقال فناوری، استفاده از فناوری‌های نرم است که استفاده آگاهانه از قوانین عمومی و یا تجربیات اقتصادی، اجتماعی، ابزارها، نهادها، روش‌ها و مراحل است که به توسعه، تطابق یا کنترل دنیای درونی و بیرونی کمک می‌کند. هر دو نوع فناوری (نرم و سخت) دارای این ویژگی هستند که برای حل مسئله، به شکل تدابیر، مهارت‌ها، ابزارها، سازوکارها، روش‌ها یا فرایندها در می‌آیند و با هدف تأمین «خدمات» در راستای پیشرفت‌های اجتماعی و توسعه اقتصادی پدید آمده‌اند (جین، ۱۳۸۴ به نقل از: طاهری و صاحب‌هنر، ۱۳۹۳).
- بخش دیگری از فناوری، به توانمندی سازمانی انجام مگاپروژه بازمی‌گردد. توانمندی‌های سازمانی مورد نیاز برای حضور موفق در حوزه مگاپروژه‌های خاص در سطح کلان عبارت‌اند از: توانمندی‌های راهبردی، توانمندی‌های وظیفه‌ای و توانمندی پروژه و امروزه یکپارچه‌سازی سیستم‌ها، فعالیت اصلی بنگاه‌های تولیدکننده مگاپروژه است (منطقی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۶).

از بُعدی دیگر، فناوری در بالادستی صنعت نفت را می‌توان به دو دسته کلی خبرگی فناورانه و ابزارهای فناورانه تقسیم کرد. بر اساس مدل زنجیره ارزش پورتر، خبرگی فناورانه، شامل فناوری‌هایی است که برای کسب و پردازش داده‌ها و تبدیل آن‌ها به اطلاعات و خلق دانش مورد نیاز برای رفع مشکلات یا بهینه‌سازی و خرد (خبرگی) لازم برای تصمیم‌گیری در اکتشاف، ارزیابی، توسعه و تولید به کار گرفته می‌شوند.

افزایش ضریب موفقیت در اکتشاف، مدیریت مخزن، مدل‌سازی و شبیه‌سازی، افزایش تولید و ازدیاد برداشت و بهبود عملیات حفاری از حوزه‌های هدف فناوری اصلی در بالادستی است که البته برای هر کدام، حوزه‌های هدف فناوری فراوانی تعریف می‌شود (هندی و مطهری، ۱۳۹۵: ۲۷).

۳.۳. منافع و اهداف در حوزه اقتصاد داخلی

یکی از اهداف حوزه اقتصاد ملی، آن است که کارشناسان بومی بیشتری، اعم از خصوصی یا شرکت‌های ملی، به کار گرفته شود. در موارد زیادی کشور میزبان به دلیل ضرورت توسعه محلی، هدف خود را استخدام نیروی کار بومی در شرکت‌های نفتی در نظر می‌گیرد و اشتغال نیروهای بومی را در اولویت قرار می‌دهد. بنابراین، چون طبیعت صنعت نفت و فعالیت نفتی نیازمند افراد باتجربه و با کیفیت بالایی است که در نیروهای بومی نیست، تربیت نیروهای بومی اهمیت می‌یابد. و این اهمیت در حدی است که حتی در قرارداد نیز همواره این هدف، همراه با شرط تربیت نیروی بومی است که مستلزم افزودن بودجه حداقلی سالانه برای انجام این گونه برنامه‌ها در شرکت نفتی است. در برخی کشورها، استخدام نیرو به صورت درصدی از نیروی کار با سطح معینی از صلاحیت که باید از میان نیروهای بومی آماده شوند، در نظر گرفته می‌شود.

از دیگر اهداف اقتصاد ملی این است که امکانات بومی یا سهم داخل یا محتوای داخل مانند خدمت، تجهیزات و مواد اولیه بیشتر به کار گرفته شود. توسعه محلی در بسیاری از کشورهای تولیدکننده، الزامی رو به گسترش است (Rouzaut & Favnnec, 2011:188, Boykett, 2012, Tordo et al. 2013). این هدف، مجموعه‌ای از سیاست‌های نهادهای دولتی دانسته شده که هدف از آن، تضمین به‌کارگیری بخش‌هایی معین از عوامل تولید مورد نیاز در زنجیره ارزش^۱ (مانند نیروی کار، کالا و خدمات و فناوری) از اقتصاد داخلی است (رامدو، ۲۰۱۶: ۱۹۳ به نقل از: ابراهیمی و خوش‌چهره، ۱۳۹۷: ۲۷).

۳.۴. منافع در حوزه بهره‌برداری فنی، اقتصادی و صیانتی از مخازن

یکی از مهم‌ترین اهداف در تولید و استخراج نفت، انجام عملیات بهبود بازیافت^۱ و ازدیاد برداشت نفت^۲ در زمان مناسب و با بهترین روش است. این در حقیقت همان برداشت صیانتی از مخزن است که به معنای حفظ تعادل مخزن در طول عمر آن است تا بتوان بدون هیچ تغییری در شرایط اولیه مخزن همه نفت قابل برداشت اولیه را از میدان استخراج کرد؛ ضمن اینکه مسئله حداکثرسازی سود نیز مورد توجه قرار دارد. تعادل مخزن به معنای تعادل سنگ و سیال و نیز تعادل زمین‌شناسی حجمی مخزن است. بر اساس مفاهیم و اصول مهندسی مخزن در اینجا در دو بُعد تزریق سیال و نگه‌داشت فشار و همچنین نرخ بهینه تولید^۳ تبیین می‌شود (مقدم و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۶).

صیانت از مخزن به منظور جلوگیری از فشردگی مخزن و رعایت صیانت از آن است که باید تا حد امکان از کاهش فشار مخزن جلوگیری شود تا فضای خالی برای فشردگی ایجاد نشود. این امر الزام می‌کند که برای حفظ فشار مخزن و در نتیجه، کاهش مقدار کرنش^۴ از همان ابتدای تولید، عملیات بهبود برداشت انجام گردد. به عبارتی، صیانت از مخزن به طور نسبی و ضمنی حفظ خواهد شد، اگر و تنها اگر جهت حفظ فشار مخزن از همان ابتدای تولید عملیات تزریق انجام شود (مقدم و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۶).

تولید صیانتی، جلوگیری از کاهش ضریب بازیافت ناشی از برداشت نادرست است. صیانت از مخزن باید با تضمین حقوق و منافع ملی مستلزم تعیین نرخ بهینه برداشت از مخزن^۵ همراه باشد که با توجه به حداکثرسازی سود اقتصادی، سهم نسل‌های آینده از نفت و نرخ تولید طبیعی مخزن به دست می‌آید (همان). این هدف، از مهم‌ترین مواردی است که در قراردادهای بیع متقابل، به ویژه نسل سوم و قرارداد نفتی ایران بدان توجه ویژه شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. Improved Oil Recovery (IOR): مجموعه‌ای از عملیات که به نگه‌داشت سطح تولید یا بهبود ضریب بازیافت یا سرعت در بهره‌برداری (افزایش نرخ تخلیه) می‌انجامد و می‌تواند در همه مراحل تولید در طول عمر میدان یا مخزن حسب مورد انجام شود؛ مانند انجام مطالعات تکمیلی زمین‌شناسی، مهندسی نفت و مخازن، اجرای طرح‌های ژئوفیزیک و لرزه‌نگاری‌های سه یا چهاربعدی حسب نیاز، طراحی و اجرای پروژه‌هایی مثل حفاری‌های جدید.

۲. Enhanced Oil Recovery (EOR): به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته روز دنیا شامل مطالعات و طراحی روش‌های بهینه مهندسی مخازن و بهره‌برداری، به‌کارگیری انواع تزریق‌ها حسب نیاز میدان یا مخزن، مانند تزریق گاز، آب، بخار، مواد شیمیایی، پلیمرها، تزریق CO₂ و نظایر آن، کاربرد فناوری‌های تکمیلی در هر مرحله حسب ضرورت و نظایر آن که به افزایش ضریب بازیافت و صیانت از منابع نفت، گاز یا میعانات گازی در طول عمر میدان یا مخزن می‌انجامد.

3. Maximum efficient rate (MER)

4. strain

5. MER: Maximum Efficient Rate

۱.۴.۳. حفظ مسیر بهینه تولید بر اساس الگوهای فنی و اقتصادی تأمین‌کننده منافع کلان کشور

حرکت در مسیر بهینه تولید، از مهم‌ترین و نخستین اهداف فنی و اقتصادی است که در تمام قراردادهای نفتی بدان توجه می‌شود. این مسئله ابعاد زیادی دارد؛ از جمله اینکه ممکن است مسیر تولید برای کشور میزبان، شرکت نفتی و سهام‌داران شرکت‌ها با یکدیگر متفاوت باشد. برخی عوامل مؤثر بر مسیر بهینه تولید عبارت‌اند از: قیمت نفت، نرخ بهره، ویژگی‌های مهندسی میدان (پویایی سیال، ویژگی تشکیل سیال، بازیافت ثانویه و ثالثیه، حفاری چاه و...)، اشکال مهندسی، ویژگی‌های رفتاری مخزن، اکتشاف و عدم اطمینان، توسعه فناوری پشتیبان، اکتشاف جدید، اثر انحرافی قرارداد، مالیات، شکل رژیم مالی (افزایشی، کاهشی، خنثی) و... (مقدم و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۷).

۲.۴.۳. پذیرش کمترین ریسک

بر اساس مطالعات مختلف، بسیاری از دولت‌ها و شرکت‌های ملی نفتی ریسک‌گریزند و در نتیجه، شرکت‌های نفتی پذیرای بیشترین ریسک هستند. این وضعیت در قراردادهای خدماتی ریسکی که بیشتر در کشورهای منطقه خلیج فارس و خاورمیانه منعقد می‌شود، بیشتر خود را نشان می‌دهد (محمدی و دیگران، ۱۳۹۵؛ Johnston, 2003, Ghandi, Lin, 2014, Lei et al., 2015). در قراردادهای بیع متقابل و قرارداد نفتی ایران نیز عدم تحمل ریسک به خوبی نمایان است (Bunter, 2008, Yang, 2015).

۳.۴.۳. انجام پروژه در زمان پیش‌بینی شده

در بسیاری از قراردادها، زمان‌هایی برای اجرا و نهایی شدن مراحل مختلف پروژه در نظر گرفته می‌شود. یکی از مهم‌ترین اهداف در یک قرارداد این است که این مراحل در زمان مورد توافق در قرارداد انجام شود. این مراحل هم از نظر اقتصادی و هم از نظر پیوستگی مراحل و گاهی معطل ماندن پروژه‌های مرتبط، از اهمیت زیادی برخوردار است. بنابراین، انجام به موقع پروژه در جدول زمانی توافق‌شده بر اساس کارشناسی‌های انجام‌شده، به عنوان هدف و منفعت کارفرما یا کشور میزبان نفتی لحاظ و در قرارداد درج می‌شود. در قرارداد بیع متقابل، حتی جریمه تأخیر برای آن در نظر گرفته شده است. این موضوع در قراردادهای نفتی نوین ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است.

۵.۳. منافع و اهداف در حوزه اطلاعات

از مهم‌ترین مسائل در حوزه قراردادهای، مسئله عدم تقارن اطلاعات میان شرکت دولتی و شرکت‌های بین‌المللی است که شامل همه ابعاد فنی، حقوقی، اقتصادی، مالی و حتی گاهی سیاسی می‌شود که برخی از جنبه‌های آن عبارت‌اند از:

اشراف فنی شرکت‌های بین‌المللی نفتی بر ویژگی‌های مخازن نفتی، به معنای تجربه عملی و نظام اطلاعاتی از پدیده‌های تکراری زمین‌شناسی در نقاط مختلف کره زمین، نوع دانش و فناوری جدید افزایش بازیافت متناسب با نوع مخزن. آن‌ها اطلاعات و داده‌های متمرکز تاریخی به دلیل رابطه با مخازن کشور در گذشته و عدم تبدیل داده‌های در اختیار کشور به اطلاعات مناسب را در اختیار دارند. همچنین در مورد مخازن مشترک برای شرکت‌هایی که در هر دو کشور دارای مخزن مشترک، حضور دارند، اطلاعات زیادی دارند. آن‌ها به دلیل انعقاد انواع مختلف قراردادهای با کشورهای دارای انواع مختلف نظام‌های سیاسی و قوانین و مقررات داخلی، اطلاعات تجربی مفیدی به دست آورده‌اند. همچنین شرکت‌ها نیازهای شرکت‌های دولتی، به ویژه شرکت‌های ایرانی را به دلیل وجود تحریم به خوبی می‌شناسند (حسن‌تاش، ۱۳۸۵؛ اخوان، ۱۳۹۳: ۳۰). اطلاعات از شرایط اقتصادی و مالی (وضعیت رکودی یا رونق) نیز از دیگر مواردی است که برای کشور میزبان اهمیت زیادی دارد و در اهداف خود دستیابی به این اطلاعات از اهمیت زیادی برخوردار است. با توجه به اهمیت این هدف در قراردادهای بیع متقابل سازوکاری برای انتقال اطلاعات دیده نشده ولی قراردادهای نوین نفتی ایران به دلیل ایجاد سازوکار مشارکت، این امکان را فراهم کرده است.

۴. منافع و اهداف شرکت‌های بین‌المللی

۴.۱. حداکثرسازی ارزش حال خالص^۱

همچنان که پیش‌تر بیان شد، حرکت در مسیر بهینه تولید، از مهم‌ترین و نخستین اهداف فنی و اقتصادی است که در تمام قراردادهای نفتی بدان توجه می‌شود. همانطور که در هدف افزایش درآمد گفته شد، حداکثر کردن ارزش حال پروژه یکی از اهداف است که در واقع حرکت دقیق تولید روی آن، مسیر بهینه است. از آنجا که این مسیر تولید می‌تواند برای شرکت متفاوت از کشور میزبان باشد، حداکثر کردن ارزش حال خالص پروژه می‌تواند در تعارض با مسیر بهینه تولید برای کشور میزبان باشد. این هدف یکی از موارد تعارض منافع شمرده می‌شود.

1. NPV: net present value

۴.۲. بازگشت سریع‌تر منافع حاصل از سرمایه‌گذاری

با توجه به اینکه شرکت‌های نفتی سهم زیادی در سرمایه‌گذاری اکتشاف، بهره‌برداری، استخراج و تولید دارند، می‌کوشند تا منافع حاصل از سرمایه‌گذاری را در کمترین زمان به دست آورند. این خواست در بسیاری از موارد با منافع بلندمدت و تولید بهینه و صیانتی به منافع کشور میزبان در تعارض قرار می‌گیرد. البته اگر منافع شرکت با منافع بلندمدت و تولید بهینه و صیانتی مرتبط شده باشد، ممکن است این تعارض برطرف شود.

۴.۳. حداقل کردن پرداخت مالیات

شرکت‌های نفتی ممکن است انواع مختلفی از مالیات را در قالب قراردادهای متفاوت پردازند. شرکت‌های نفتی در پی هدف اصلی خود که حداکثرسازی سود است، خواهان به حداقل رساندن هزینه‌های خود، از جمله مالیات‌هایی هستند که به شکل‌های گوناگونی باید پردازند.

۴.۴. به‌کارگیری فناوری‌های معمولی با هزینه کمتر و قدیمی

به نظر می‌رسد شرکت‌های نفتی در انجام پروژه‌هایی که به آن‌ها واگذار می‌شود، از جدیدترین فناوری‌های مرتبط استفاده می‌کنند و اصولاً میزان برخورداری این شرکت‌ها از فناوری، یکی از عوامل مهم در ارجاع پروژه به آن‌هاست. این شرکت‌ها یا از طریق نیروهای زیرمجموعه خود به این فناوری‌ها دست می‌یابند و یا با پرداخت هزینه‌های هنگفت نسبت به خریداری آن اقدام می‌کنند و در نتیجه، تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند که از فراگیر شدن آن جلوگیری کنند تا بتوانند به پشتوانه آن، بازار را در اختیار بگیرند و پس از بازگشت هزینه‌های صرف‌شده و سود مترتب بر آن، فناوری پیش‌گفته را از طریق قراردادهای انتقال فناوری، به سایر بنگاه‌ها منتقل کنند (ابراهیمی و خوش‌چهره، ۱۳۹۴: ۷۰). شرکت خارجی تا زمانی که فناوری کهنه نشده و برتری رقابتی‌اش را حفظ می‌کند، آن را منتقل نخواهد نکرد (عامری، ۱۳۸۰: ۶۲).

۴.۵. آزمون فناوری‌های آزمایش‌نشده

گاهی شرکت‌های نفتی دارای فناوری‌هایی هستند که هنوز به خوبی آزمایش نشده‌اند. در چنین شرایطی، آن‌ها این نوع فناوری‌ها را در قالب انتقال فناوری در فرایند اکتشاف تا تولید به کار می‌گیرند و هزینه‌های صدمات و شکست‌های احتمالی حاصل از فناوری آزمون‌نشده را بر کشور میزبان تحمیل می‌کنند.

۴.۶. انتقال کمترین میزان فناوری سخت و تجهیزات

در شرایطی که کشور میزبان بر انتقال فناوری سخت و تجهیزات پای فشرده و در قرارداد نیز بدان تأکید دارد، شرکت‌های نفتی می‌کوشند که کمترین میزان فناوری انتقال یابد تا بتوانند انحصار، قدرت چانه‌زنی و نیازمندی کشور میزبان به شرکت را حفظ کنند.

۴.۷. حفظ انحصاری دانش فنی

شرکت‌های نفتی دانش فنی گسترده‌ای در حوزه‌های اکتشاف، استخراج، بهره‌برداری و تولید نفت و گاز را در اختیار دارند و با اینکه در موارد زیادی کشورهای میزبان بر انتقال این دانش فنی اصرار دارند و گاهی در قرارداد نیز بدان اشاره و آن را مطالبه می‌کنند، اما شرکت‌های نفتی این دانش فنی را به راحتی در اختیار دیگران قرار نمی‌دهند و انحصار آن را حق خود می‌دانند.

۴.۸. باز کردن راه صادرات کشور مادر به کشور میزبان

شرکت‌های نفتی در ضمن ورود به کشورهای دارای منابع نفت و گاز، اهدافی را برای کشورهای مادر خود نیز دنبال می‌کنند؛ از جمله اینکه، زمینه‌های صادرات کالا و خدمات مورد نیاز اجرای قراردادهای اکتشاف و استخراج و تولید را در کشور میزبان فراهم کنند؛ حتی اگر کشور میزبان خود بتواند این نیازمندی‌ها را تأمین کند.

۴.۹. ایجاد شغل برای اتباع و صنایع کشور مادر در محل پروژه یا در کشور مادر

برخی شرکت‌ها با هدف کمک به اقتصاد ملی خود در ضمن قراردادهای نفتی، می‌کوشند تا با خرید خدمت یا کالا از کشور مادر برای اتباع و صنایع کشور مادر خود شغل ایجاد کنند. این شغل‌ها می‌تواند در کشور مادر با خرید خدمت یا کالا برای کشور میزبان ایجاد شود و یا به صورت ایجاد شغل برای اتباع خود در کشور میزبان عملی گردد.

۴.۱۰. ارائه حداقل اطلاعات از شرایط اقتصادی شرکت

همچنان که پیش‌تر اشاره شد، شرکت‌های نفتی شرایط اقتصادی مختلف و گاهی ویژه‌ای دارند که بر اساس آن، به انعقاد قرارداد اقدام می‌کنند. از آنجایی که اطلاعات این شرکت‌ها برای کشور میزبان به منظور درک منافع شرکت و قدرت چانه‌زنی اهمیت دارد، شرکت‌ها می‌کوشند اطلاع از این شرایط، چندان در اختیار کشور میزبان قرار نگیرد؛ زیرا شرکتی که در شرایط مناسب اقتصادی نیست و بخش زیادی از نیروی کار آن بیکار است، کمتر حاضر است از نیروی کار بومی استفاده کند. یا شرکتی که تجهیزات و ماشین‌آلات آن به دلیل شرایط اقتصادی

معطل باقی مانده است، انگیزه کمتری در استفاده از تجهیزات شرکت‌های بومی دارد. شرکتی که ارزش سهام آن در بورس کاهش یافته است، با بستن قرارداد منفعت بیشتری کسب می‌کند که در چانه‌زنی‌های انعقاد قرارداد، کارفرما برای جذب آن می‌تواند امتیازهای کمتری را ارائه دهد.

۴.۱۱. ارائه کمترین اطلاعات در خصوص ذخایر موجود

شرکت‌های نفتی ضمن اینکه گاهی اطلاعات زیادی از مخازن دارند، اشراف فنی، هم بر ویژگی‌های مخزن و هم بر داده‌ها و اطلاعات تاریخی دارند که سبب افزایش توان قراردادی و چانه‌زنی می‌شود. شرکت‌ها به راحتی حاضر نمی‌شوند این برتری اطلاعاتی را از دست بدهند.

۴.۱۲. تحمل ریسک واقعی کمتر و دریافت پاداش بیشتر برای ریسک‌پذیری

ریسک این گونه شناخته می‌شود: تمام «رویدادهایی که دارای شانس برخورداری از نتایج منفی یا مثبت، مشترک یا جداگانه است»، دربرگیرنده ریسک است. ریسک‌های منفی، ارزش پولی انتظاری دارایی را کاهش می‌دهد.

شرکتی که بیشترین دارایی آن به صورت سهام است به منزله شرکتی است که در حال سرمایه‌گذاری ریسکی است که با ریسک‌های متعددی مانند ریسک بهای نفت روبرو است. افزون بر این، بسته به اندازه و درجه تنوع فعالیت‌های آن، ممکن است با ترکیبی از ریسک‌های اکتشاف و تولید نیز روبرو باشد. ریسک‌های اساسی که شرکتی نفتی با آن روبروست، عبارت‌اند از: ریسک‌های فنی و ریسک‌های قیمتی / تجاری (مقدم و بغزیان، ۱۳۹۰: ۶۷).

شرکت‌ها که همواره در پی مدیریت ریسک خود هستند، از تمامی ابزارها برای کاهش آن بهره می‌برند. یکی از روش‌های مقابله با کاهش ریسک، به ویژه ریسک‌های اقتصادی، چانه‌زنی در شرایط قرارداد است. آن‌ها در این زمینه می‌کوشند از یک سو، ریسک کمتری را بر عهده گیرند و از سوی دیگر، پاداش بیشتری را برای ریسکی که بر عهده گرفته‌اند، درخواست کنند. افزون بر این، در مورد ریسک‌ها، به ویژه ریسک‌های سیاسی که بر عهده می‌گیرند، بزرگ‌نمایی کنند.

۴.۱۳. افزایش ارزش سهام شرکت

مهم‌ترین هدف شرکت‌ها در قراردادهای نفت و گاز، افزایش ارزش سهام شرکت است. آن‌ها برای رسیدن به این هدف از تمام ابزارها استفاده می‌کنند تا با کاهش ریسک و هزینه و آنچه تا کنون گفته شد، بر ارزش سهام خود بیفزایند.

۴.۱۴. به دست آوردن اطلاعات ارزشمند و بسیار گران‌قیمت مخزن

از آنجا که شرکت‌های نفتی، زمینه‌های کاری متنوعی را در نظر دارند، دانش مخزن نیز برای آن‌ها بسیار مهم است تا از آن، هم برای حفظ برتری علمی و هم برای کارکرد بهتر در مخازن مختلف در جغرافیای گوناگون کاری استفاده کنند. بنابراین، به دست آوردن اطلاعات از مخازن مختلف، به ویژه مخازن کشور ایران که از ویژگی‌های بی‌مانندی برخوردار است، برای آن‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است.

۴.۱۵. گسترش جغرافیای کاری

همچنان که پیش‌تر گفته شد، یکی از اهداف شرکت‌ها، گسترش جغرافیای کاری خود است. این هدف با توجه به آنچه پیش‌تر گفته شد، بدین منظور پیگیری می‌شود که ابزاری برای مقابله با ریسک‌هایی است که می‌تواند از ریسک‌های فنی یا محیطی پدیدار شود.

۴.۱۶. تأثیر نهادن بر سیاست‌گذاری و مدیریت صنعت نفت کشور میزبان در کوتاه‌مدت و بلندمدت

یکی دیگر از اهدافی که شرکت‌های نفتی در چهارچوب قرارداد با کشور میزبان دنبال می‌کنند، تأثیرگذاری کوتاه‌مدت و بلندمدت بر سیاست‌گذاری و مدیریت در حوزه نفت و در راستای منافع شرکت‌ها و کشورهای مادر آن‌هاست.

۴.۱۷. داشتن حق وتو و یا رأی بیشتر در کمیسیون‌های مشترک مشورتی، عملیاتی، نظارتی و تصمیم‌سازی

شرکت‌های نفتی در چهارچوب قرارداد با کشورهای میزبان، گاهی به صورت مشارکت در کمیسیون‌های مشورتی، عملیاتی، نظارتی و تصمیم‌سازی مشارکت می‌کنند. در هریک از کمیسیون‌های مربوطه که در آن منافع برای شرکت‌ها وجود دارد، می‌کوشند تا از طریق آن منافع خود را دنبال کنند. بنابراین، با استفاده از حق وتو و نیز افزایش تعداد آرا می‌توانند منافع خود را در هریک از این مراحل تأمین کنند (اخوان، ۱۳۹۳، ۳۰).

۴.۱۸. دست بالا داشتن در موارد اختلاف

شرکت‌ها در طول مذاکرات برای انعقاد قرارداد، در پی آنند که در موارد اختلاف برای خود موقعیتی ایجاد کنند که بتوانند مورد اختلافی را به نفع خود پایان دهند. بنابراین، با گنجاندن

شرایط، مواد و تبصره‌هایی، می‌کوشند تا نقش خود را در تصمیم‌گیری در موارد اختلاف پررنگ‌تر و مؤثرتر در نظر بگیرند.

۴.۱۹. انتقال داورها به خارج از کشور میزبان

با توجه به اینکه شرکت‌ها کمتر می‌توانند در نظام داورها در کشور میزبان، به ویژه ایران، رخنه کنند و شرایط را در داورها به سود خود رقم بزنند، ترجیح می‌دهند که داورهای قراردادی را به خارج از کشور میزبان منتقل کنند تا بتوانند در شرایط مختلف داورها منافع خود را بیشتر تأمین کنند.

۴.۲۰. تلاش برای نفوذ و اثرگذاری بر حوزه حاکمیتی کشور میزبان

با توجه به اینکه مالکیت منابع هیدروکربوری ملی بوده و بیشتر در اختیار دولت‌هاست، حوزه حاکمیتی آن نیز در اختیار دولت‌هاست. از آنجا که این حوزه می‌تواند محدودیت‌هایی را در ثبات منافع شرکت‌ها به وجود آورد، آن‌ها می‌کوشند تا با شیوه‌های گوناگون در این حیطه اثر بگذارند.

۴.۲۱. پرداخت کمترین جریمه ممکن

در بیشتر قراردادهای نفتی، جریمه‌هایی برای محقق نشدن برخی اهداف در نظر گرفته می‌شود. شرکت‌ها می‌کوشند با روش‌های مختلف، به ویژه چانه‌زنی پیش از انعقاد قرارداد، از گنجانیدن چنین جریمه‌هایی در قراردادها جلوگیری کنند تا پس از قرارداد، مجبور نباشند بابت عدم موفقیت در انجام تعهدات خود جریمه‌ای بپردازند.

۴.۲۲. جلوگیری از سرمایه‌گذاری و مشارکت شرکت‌ها و کشورهای دیگر در کشور میزبان

شرکت‌های نفتی که در کشوری نفتی مشغول به کار می‌شوند، برای حفظ موقعیت و انحصار خود می‌کوشند تا به شیوه‌های گوناگون مانع مشارکت شرکت‌های دیگر در منابع نفتی کشور میزبان شوند. افزون بر این، آن‌ها در این راستا، به هر نحوی که بتوانند از سرمایه‌گذاری سایر کشورها و شرکت‌های دیگر در منابع هیدروکربوری جلوگیری می‌کنند.

نتیجه

کشور میزبان و شرکت‌های نفتی در انعقاد قرارداد با شرکت‌های نفتی اهداف و منافع گوناگونی را دنبال می‌کنند که شناخت آن ضروری می‌نماید. در این مقاله، برای شناخت این منافع و

اهداف از دو روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و نیز روش مصاحبه استفاده شده است. راهبرد پژوهش، نمونه‌گیری غیراحتمالی و تدریجی بوده و مصاحبه‌شونده‌ها از میان متخصصان، کارشناسان و مدیران در حوزه قراردادهای برگزیده شده‌اند. بر اساس نتایج پژوهش پیش رو، منافع و اهداف کشور میزبان را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. منافع و اهداف کشور در حوزه درآمدها و هزینه‌ها: شامل حداکثر کردن درآمد، حداقل کردن هزینه‌های مربوط به اکتشاف و استخراج و تولید، رعایت سقف هزینه توسط شرکت نفتی در برخی کشورها (مانند قرارداد بیع متقابل ایران)؛
۲. منافع و اهداف در حوزه فناوری: شامل به‌کارگیری بهترین فناوری سخت و تجهیزات، به‌کارگیری بهترین فناوری نرم و مدیریت کلان از اکتشاف تا تولید، به‌کارگیری بهترین فناوری مدیریت مگا پروژه‌ها، انتقال بهترین و جدیدترین فناوری سخت و تجهیزات مناسب، انتقال بهترین و جدیدترین فناوری نرم و مدیریت کلان از اکتشاف تا تولید، انتقال بهترین و جدیدترین فناوری مدیریتی مگا پروژه‌ها، انجام الزامات انتقال فناوری سخت به معنای تربیت نیروی انسانی بومی (بومی‌سازی مهارت‌های نحوه به‌کارگیری و مدیریت فناوری منتقل شده با توجه به شرایط کشور)؛
۳. منافع و اهداف در حوزه اقتصاد داخلی: شامل استخدام و اشتغال نیروی کار بومی و ایجاد تقاضا برای خدمات، تجهیزات و مواد اولیه داخلی؛
۴. منافع در حوزه بهره‌برداری فنی، اقتصادی و صیانتی از مخازن؛
۵. حفظ مسیر بهینه تولید بر اساس الگوهای فنی و اقتصادی تأمین‌کننده منافع کلان کشور؛
۶. پذیرش کمترین ریسک؛
۷. انجام پروژه در زمان پیش‌بینی شده؛
۸. منافع و اهداف در حوزه اطلاعات: شامل کسب اطلاعات در زمینه ویژگی‌های مخزن، مخازن مشترک، انواع قرارداد، شرایط اقتصادی و مالی شرکت‌ها؛
۹. از سویی، منافع و اهدافی را که شرکت‌های بین‌المللی در انعقاد قراردادهای نفتی دنبال می‌کنند، می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:
 - حداکثرسازی ارزش حال خالص؛
 - بازگشت سریع‌تر منافع حاصل از سرمایه‌گذاری؛
 - حداقل کردن پرداخت مالیات؛
 - به‌کارگیری فناوری‌های معمولی با هزینه کمتر و قدیمی؛
 - آزمودن فناوری‌های آزمایش نشده؛

- انتقال کمترین میزان فناوری سخت و تجهیزات؛
- حفظ انحصاری دانش فنی؛
- باز کردن راه صادرات کشور مادر به کشور میزبان؛
- ایجاد شغل برای اتباع و صنایع کشور مادر در محل پروژه یا در کشور مادر؛
- ارائه حداقل اطلاعات از شرایط اقتصادی شرکت؛
- ارائه حداقل اطلاعات در خصوص ذخایر موجود؛
- تحمل ریسک واقعی کمتر و دریافت پاداش بیشتر برای ریسک‌پذیری؛
- افزایش ارزش سهام شرکت؛
- به دست آوردن اطلاعات ارزشمند و بسیار گران‌قیمت مخزن؛
- گسترش جغرافیای کاری؛
- تأثیر نهادن بر سیاست‌گذاری و مدیریت صنعت نفت کشور میزبان در کوتاه‌مدت و بلندمدت؛
- داشتن حق وتو و یا رأی بیشتر در کمیسیون‌های مشترک مشورتی، عملیاتی، نظارتی و تصمیم‌سازی؛
- دست بالا داشتن در موارد اختلاف؛
- انتقال داوری‌ها به خارج از کشور میزبان؛
- تلاش برای نفوذ و اثرگذاری بر حوزه حاکمیتی کشور میزبان؛
- پرداخت کمترین جریمه ممکن؛
- جلوگیری از سرمایه‌گذاری و مشارکت شرکت‌ها و کشورهای دیگر در کشور میزبان.
- در بسیاری از موارد بالا، میان اهداف و منافع کشور میزبان (ایران) و منافع و اهداف شرکت نفتی بین‌المللی تعارض ایجاد می‌شود که باید در تدوین قراردادهای نفتی به آن‌ها توجه و برای هر یک راه‌حل‌های متناسب در نظر گرفته شود. در این پژوهش، راه‌حلهایی برای هر یک از موارد تعارض پیشنهاد و خلاصه‌ای از آن‌ها در جدول ۱ درج شده است.

جدول ۱. منافع و اهداف کشورهای نفتی، موارد تعارض و راه حل‌های پیشنهادی

هدف یا منفعت	کشور میزبان	شرکت نفتی	وجود تعارض	راه حل پیشنهادی
در حوزه درآمدها و هزینه‌ها	حداکثر کردن درآمد (رفاه اجتماعی)، بهره مالکانه (گری، ۱۹۱۴)، مالیات، و...	حداکثر کردن سود (ارزش حال خالص)؛ حداقل کردن پرداخت مالیات، حداقل کردن جریمه‌های پرداختی	✓	مذاکره و چانه‌زنی با اطلاع کامل حقوقی، فنی، اقتصادی، مدیریتی و سیاسی؛ در نظر گرفتن عوامل انگیزشی و هم‌راستا کردن منافع طرفین در کلیه مراحل و ابعاد، در نظر گرفتن انگیزه و پیش‌بینی نکول قرارداد و ... (با ابزار طول مدت قرارداد، پاداش هزینه، دستمزد، مالیات، سهم از فروش و مانند آن)
	حداقل کردن هزینه‌هایی که از اکتشاف، استخراج و تولید بر عهده دارد.	حداقل کردن هزینه‌هایی که از اکتشاف، استخراج تا تولید بر عهده می‌گیرد.	✓	پاداش هزینه، تعیین سقف هزینه
	رعایت سقف هزینه توسط شرکت بین‌المللی در قراردادهای خدماتی	کنترل نکردن هزینه و گاهی بیشتر نشان دادن آن	✓	تعیین سقف هزینه، پاداش هزینه
		بازگشت سریع منافع حاصل از سرمایه‌گذاری		
در حوزه فناوری	به‌کارگیری بهترین فناوری سخت و تجهیزات	به‌کارگیری فناوری معمولی با هزینه کمتر و قدیمی؛ آزمودن فناوری‌های آزمایش نشده	✓	درج شرایط و تبصره‌های مناسب الزامی، پاداش، مالیات، دستمزد
	به‌کارگیری بهترین فناوری نرم و مدیریت کلان از اکتشاف تا تولید		✓	درج شرایط و تبصره‌های مناسب الزامی، پاداش، مالیات، دستمزد

به‌کارگیری بهترین فناوری مدیریت مگا پروژه	✓	درج شرایط و تبصره‌های مناسب الزامی، پاداش، مالیات، دستمزد
انتقال بهترین فناوری سخت و تجهیزات	✓	درج شرایط و تبصره‌های مناسب الزامی، پاداش، مالیات، دستمزد
انتقال بهترین فناوری نرم و مدیریت کلان از اکتشاف تا تولید	✓	درج شرایط و تبصره‌های مناسب الزامی، الزام مشارکت شرکت‌ها و کارشناسان داخلی، پاداش، مالیات، دستمزد
انتقال بهترین فناوری مدیریت مگا پروژه	✓	درج شرایط و تبصره‌های مناسب الزامی، پاداش، الزام مشارکت شرکت‌ها و کارشناسان داخلی در سطوح مدیریت کلان، پاداش، مالیات، دستمزد
تربیت نیروی بومی متناسب با فناوری	✓	درج شرایط و تبصره‌های مناسب الزامی، پاداش، مالیات، دستمزد
ایجاد اشتغال و ایجاد تقاضا برای کالا و خدمات داخلی	✓	درج شرایط و تبصره‌های مناسب الزامی، پاداش، الزام مشارکت شرکت‌ها و کارشناسان داخلی در سطوح مدیریت کلان، الزام تعیین درصد استفاده از کارشناسان و کالا و خدمات داخلی، پاداش، مالیات، دستمزد
بهبود باز یافت و ازدیاد برداشت	✓	پاداش، جریمه، مشارکت در سود آخرین برداشت‌ها از میدان، سهم از فروش
حفظ مسیر بهینه تولید	✓	پاداش، جریمه، مدت قرارداد، سهم از فروش
پذیرش کمترین ریسک	✓	انجام مطالعات دقیق ریسک، پاداش ریسک مناسب، مدت قرارداد، مشارکت در میدان‌های دیگر
ایجاد اشتغال برای اتباع و صنایع کشور مادر در محل پروژه یا در کشور مادر؛ باز کردن راه صادرات کشور مادر به کشور میزبان	✓	درج شرایط و تبصره‌های مناسب الزامی، پاداش، الزام مشارکت شرکت‌ها و کارشناسان داخلی در سطوح مدیریت کلان، الزام تعیین درصد استفاده از کارشناسان و کالا و خدمات داخلی، پاداش، مالیات، دستمزد
در حوزه اقتصاد داخلی		
در حوزه بهبود مدیریت فنی، اقتصادی و صیانتی از مخازن		

انجام به موقع پروژه	✓	تأخیر در انجام پروژه در شرایط متفاوت اقتصادی شرکت	پاداش جدول زمانی، جریمه تأخیر
در حوزه اطلاعات	✓	ارائه حداقل اطلاعات از شرایط اقتصادی شرکت	مطالعه پیشینی شرایط شرکت، پاداش
	✓	ارائه حداقل اطلاعات در خصوص ذخایر موجود	در نظر گرفتن مشارکت فنی و مدیریتی
		به دست آوردن اطلاعات ارزشمند و بسیار گران‌قیمت مخزن	
	✓	داشتن حق و تو یا دست بالا در کمیسیون‌های مشترک	توجه به ترکیب کمیته‌های مشترک و شوراهای مشورتی
در حوزه اجرای قرارداد و مدیریت	✓	داشتن دست بالا در موارد اختلاف	درج مواد، شرایط و تبصره‌های لازم
	✓	انتقال داوری‌ها به خارج از کشور میزبان	درج مواد، شرایط و تبصره‌های لازم
	✓	تأثیر نهادن بر سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت صنعت نفت کشور میزبان در کوتاه‌مدت و بلندمدت	ساماندهی نظام تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در راستای جلوگیری از نفوذ ذی‌نفعان
فرا قراردادی	✓	نفوذ یا اثرگذاری بر حوزه حاکمیتی کشور میزبان	درج مواد، شرایط و تبصره‌های لازم
	✓	جلوگیری از سرمایه‌گذاری و مشارکت شرکت‌ها و کشورهای دیگر	در نظر گرفتن شرایط رقابتی در قراردادها و واگذاری‌ها
		افزایش ارزش سهام شرکت در قالب قرارداد	-
تشریح درون		گسترش جغرافیای کاری شرکت	-

منابع

الف) فارسی

۱. ابراهیمی، سید نصرالله؛ خوش‌چهره، فاطمه (۱۳۹۴). «استفاده، انتقال و توسعه فناوری در صنایع بالادستی نفت و گاز ایران». فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق مالکیت فکری، ص ۶۵-۱۰۴.

۲. _____ (۱۳۹۷). «طرح توسعه استفاده حداکثری از الزام سهم داخل و فرصت‌ها و چالش‌های ناشی از آن در صنعت نفت و گاز». *دوفصلنامه حقوق انرژی*، پاییز و زمستان، شماره ۲، ص ۲۶۷-۲۹۲.
۳. ابراهیمی، سید نصرالله؛ شیرجیان، محمد (۱۳۹۳). «قراردادهای بالادستی نفت و گاز نظام جمهوری اسلامی ایران و تبیین دلالت‌های قانونی و الزامات قراردادهای جدید». *فصلنامه اقتصاد انرژی ایران*، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۱-۳۹.
۴. ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۱). *پژوهش کیفی از نظریه تا عمل*، چاپ اول، تهران: انتشارات علم.
۵. اخوان، مهدی (۱۳۹۳). «قرارداد بیع متقابل توسعه فازهای ۲ و ۳ میدان گازی پارس جنوبی از منظر قراردادهای ناقص». *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران (اقتصاد محیط زیست و انرژی)*، سال چهارم، زمستان، شماره ۱۳، ص ۱-۳۲.
۶. بهادری، شیرکو (۱۳۹۵). «شرایط درست و نادرست استفاده از قراردادهای نفتی جدید ایران از منظر ارزیابی طرح‌های اقتصادی». *ماهنامه علمی-ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز*، شماره ۱۳۳، ص ۲۶-۳۲.
۷. حسن تاش، غلام‌حسین (۱۳۸۵). «قراردادهای نفتی و عدم تقارن اطلاعات». *مجله اقتصاد انرژی*، شماره ۸۷، ص ۲-۴.
۸. حسینی سید محمد (۱۳۹۴). «پاسخ به ابهامات قراردادهای». گزارش رئیس کمیته بازنگری قراردادهای نفتی، گزارش شرکت ملی نفت ایران، به آدرس: <http://www.nioc.ir>
۹. داوسون، کاترین (۱۳۹۰). *روش‌های کاربردی تحقیق*، ترجمه مجیدرضا داوری، جمشید امانی و مصطفی قاضی‌زاده، تهران: انتشارات هرمس.
۱۰. درخشان، مسعود؛ تکلیف، عاطفه (۱۳۹۴). «انتقال و توسعه فناوری در بخش فناوری در بخش بالاسری صنعت نفت ایران؛ ملاحظاتی در مفاهیم، الزامات، چالش‌ها و راهکارها». *پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران*، شماره ۱۴، ص ۳۳-۸۸.
۱۱. طاهری‌فرد، علی؛ صاحب هنر، حامد (۱۳۹۵). «مقایسه قراردادهای IPC با قراردادهای بیع متقابل». گزارش پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۵۰۵۹.
۱۲. عامری، فیصل (۱۳۸۰). «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نقش آن در انتقال تکنولوژی به کشورهای رشدیابنده». *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، دوره ۳، شماره ۵، ص ۳۶-۶۶.
۱۳. علیدوستی، ناصر (۱۳۸۵). «جنبه‌های حقوقی-امینیتی قراردادهای بیع متقابل». *فصلنامه مطالعات حقوقی*، شماره ۳۳، ص ۵۴۳-۵۷۸.
۱۴. عمادی محمدعلی (۱۳۹۴). «همکاری‌های بین‌المللی، راهکار انتقال و توسعه فناوری». گزارش رئیس پژوهشکده ازدیاد برداشت شرکت ملی نفت ایران، گزارش شرکت ملی نفت ایران، به آدرس: <http://www.nioc.ir>
۱۵. محمدی، تیمور؛ مؤمنی، فرشاد؛ کاظمی نجف‌آبادی، عباس؛ بهادری، شیرکو (۱۳۹۵). «تأثیر قراردادهای نفتی بر روند تولید نفت در ایران». *مطالعات اقتصاد انرژی*، شماره ۵۰، ص ۳۵-۵۲.
۱۶. محمدی، سیده مریم؛ منطقی، منوچهر؛ محمدی، زهرا؛ شاسبی‌نیا، ندا (۱۳۹۵). «تحلیل فرایند انتقال تکنولوژی در قراردادهای نفتی ایران؛ مطالعه موردی تحلیل مدل جدید (IPC)». *مطالعات اقتصاد انرژی*، شماره ۵۴، ص ۱۳۳-۱۷۲.
۱۷. مقدم، محمدرضا؛ شکوهی، محمدرضا؛ مرادی، مسلم (۱۳۹۶). «تبیین شاخص‌های مدل مالی؛ هم‌سو با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در الگوی جدید قراردادهای نفتی ایران». *ماهنامه علمی-ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز*، شماره ۱۵۰، ص ۲۵-۳۲.
۱۸. مقدم، محمدرضا؛ بغزیان، آلبرت (۱۳۹۰). «مدل اصلاح الگوی مصرف منابع مالی با استفاده از مفهوم پورتفولیو: مورد کاربردی شرکت ملی نفت ایران». *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال سوم، شماره ۳، ص ۶۵-۸۴.
۱۹. مقدم، محمدرضا؛ مزرعتی، محمد (۱۳۸۵). «مدل‌سازی و تحلیل قراردادهای بیع متقابل و ارائه مدل بهینه‌سازی قرارداد در ایران». *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۷۶، ص ۱۵۷-۱۸۲.
۲۰. منطقی، علی؛ منطقی، منوچهر؛ طباطباییان، سید حبیب‌الله (۱۳۹۳). «یکپارچه‌سازی (CoPS) سیستم‌ها؛ یک توانمندی کلیدی در حوزه سیستم‌ها و محصولات پیچیده (IRAMOT)». *چهارمین کنفرانس بین‌المللی و هشتمین کنفرانس ملی مدیریت فناوری*.
۲۱. هندی، سید صالح؛ مطهری، سید مهدیا (۱۳۹۵). «نقش انتقال فناوری در قراردادهای IPC از منظر اقتصاد مقاومتی». *ماهنامه علمی-ترویجی اکتشاف و تولید*، شماره ۱۳۵، ص ۲۵-۲۹.

ب) خارجی

22. Boykett Tim, Peirano Marta, Boria Simone, Kelley Heather, Schimana Elisabeth, Dekrout Andreas. O'Reilly Rachel (2012). *Oil Contracts: How to Read and Understand a Petroleum Contract*: TimesUp Press.
23. Bunter, Mike, (2008). *The Iranian Buy-Back Agreement*. available at: <https://www.ogel.org>
24. Daniel, P., Goldsworthy, B., Maliszewski, W., Puyo, D. M., & Watson, A (2010). *Evaluating fiscal regimes for resource projects: An example from oil development*. In IMF Conference on Taxing Natural Resources.
25. Ghandi, Lin (2014). *oil and gas service contracts around the world: A Review*. DAVIS: Institute of transportation studies (ITS) at the University of Colifornia, from http://www.des.ucdavis.edu/faculty/lin/service_contracts_review_paper.pdf
26. Gray, L. C (1914). "Rent under the assumption of exhaustibility". *The Quarterly Journal of Economics*, 28(3), 466-489.
27. Lei Zhu, ZhongXiang Zhang, Ying Fan (2015). "Overseas oil investment projects under uncertainty: How to make informed decisions?". *Journal of Policy Modeling*, Vol. 37, Issue 5, September–October 2015, PP 742-762.
28. Johnston, Daniel (2003). *International exploration economics, risks and contract analysis*. Oklahoma, USA: PennWell Corporation.
29. Johnston, D., & Johnston, D (2015). *Fundamental petroleum fiscal considerations*. Retrieved from oxford institute for energy studies: <https://www.oxfordenergy.org/publications/fundamental-petroleum-fiscal-considerations>
30. Rouzaut Nadine Bret- and Favenne Jean-Pierre (2011). "oil an; Gas, exploration & production, Reserves, costs and contracts". *ditions Technip*, ppp 177.
31. Yang Liu (2015). *Buy-back and Revenue-Sharing Contracts*. in Global Supply Chain Journal of Industrial Engineering and Management JIEM, 2015 – 8(4): 447-xx – Online ISSN: 2013-0953 – Print ISSN: 2013-8423 <http://dx.doi.org/10.3926/jiem.1391>
32. Tordo, Silvana, Michael Warner, Osmel E. Manzano, and Yahya Anouti (2013). *Local Content Policies in the Oil and Gas Sector*. World Bank Study. Washington, DC: World Bank doi: 10.1596/978-0-8213-9931-6. License: Creative Commons Attribution CC BY 3.0.